



به یاد رفیق ایرج انقلاب اجتماعی و بندهای از برنامه حدائق  
 به یاد هیلین بوک و ابراهیم گوگچه رابطه با بحران کرونا  
 برنامه فوری ام ال پ د در ۵  
 نگاه‌های به مبارزات کارگری

بیل گیتس و دستور کار جمعیت زدایی صفحه آخر

نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۶) قاجاق سنتی در رژیم جمهوری اسلامی صفحه آخر

### رفیق ایرج کشکولی درگذشت

به یاد رفیق عزیز، ایرج کشکولی رفیق ایرج کشکولی پس از یک طولانی مبارزاتی ما را وداع کرد. او از پیشتاژان جنبش نوین کمونیستی و انسانی پای در عمل بود. همراه بهمین قشقای و عطا کشکولی با پشتیبانی بی دریغ زنده یاد خسرو قشقای دوست تمام عمری سازمان انقلابی ایران در اوایل دهه ی چهل شمسی شرکت کرد. از طرف سازمان پس از شکست جنبش مسلحانه جنوب برای تمرین نظامی به کوبا رفت و جزء کادر های داوطلبی بود که برای پیوستن به جنبش مسلحانه کمیته انقلابی حزب دمکرات کردستان تحت رهبری اسماعیل شریف زاده و ملا آوره به کردستان رفت، به قول زنده یاد جلال طالبانی گرد شد و تا آخر عمر پیوندی نا گسستی با مبارزات رهاییبخش خلق کرد داشت. او تا آستانه انقلاب مسئول پر شور سازمان انقلابی ایران در منطقه نوار یعنی کشور های مرزی ایران بود که تحت هدایت او سازمان توانست برای صفحه ۲

### قطعنامه تشکلهای و... به مناسبت روز جهانی کارگر

طبقه کارگر ایران در اول ماه مه ۲۰۲۰ بیش از صد سال مبارزه متشکل طبقه کارگر برای رهایی از ستم و استثمار شدید با اشکال مختلف از ایجاد حزب سیاسی پیشرو خود تا تشکلهای کارگری طبق شرایط مشخص جامعه و با توجه به شرایط دیکتاتوری و نوع صنعت وامکانات محلی امروز دارد به ثمر می نشیند. بیانیه تشکلهای کارگری، معلمان، پرستاران و بازنشستگان مناسبت اول ماه مه و اشغال خیابان بعنوان اعتراض در مراکز کارگری همراه خانواده های کارگری در این یکماه گواهی است بر این واقعیت که طبقه کارگر ایران در صحنه واقعی مبارزه حضور دارد و بعنوان یک بدیل واقعی سیاسی اجتماعی برای تغییر بنیادی جامعه براساس برنامه ی خود عمل می کند.

در زیر ما بیانیه چهارده متحد چهارده تشکل صفحه ۴

### طبقه کارگر راه را برای انقلابی دیگر باز می کند

شروع می شد که چنین بود : در سالهای آخر قرن نوزدهم لنین را بعلت فعالیت های سیاسی اش دستگیر و زندان می کنند. روزی زندان بانس به لنین می گوید تو با این سرکچل و قد کوتاه ات چطور می توانی امپراتوری تزار را که از اروپای در غرب و تا دریای آرام در شرق وسعت دارد سرنگون کنی؟ لنین به دیوار مخروبه و در حال ریزش زندان اشاره می کند و می گوید دیواربست پوسیده!

امروزهم فکر می کنم رژیم جمهوری اسلامی از درون گندیده و پوسیده است و با اینکه دندان های جنایتکارانه ای دارد ولی پا هایش گلی است و شیری است برفی. اما یک تفاوت اساسی کیفی در سمت انقلاب و نیروهای انقلابی بوجود آمده است و آنهم وجود یک جنبش عظیم کارگری است که امروز همراه و متحد با دیگر جنبش های صفحه ۲

این روزها تا صحبت از انقلاب در حال شدن است می کنی بعضی ها که خواهان آنند، با نا باوری نشدنی بودن آنر به رخ می کشند. از توازن قوا و خونخواری نیروهای سرکوب گر شروع می کنند ، از چهل سال مبارزه و شکست نبردهای پی در پی احزاب و سازمان های سیاسی ، از خیزش های توده ها، خلاصه هرچه بار منفی در کله دارند بعنوان فاکت رو سرت خالی می کنند. خوب جواب چنین نظراتی را چگونه باید داد؟

در سال های پنجاه و شش و پنجاه وهفت یادم هست همین نوع حرف ها در میان مردم رواج داشت. ماهم جزء نیروهایی بودیم که از ببر کاغذی بودن امپریالیسم ورژیم شاه حرف می زدیم و در ستاره سرخ ارگان سازمان انقلابی مقاله ای نوشتیم که سرنگونی رژیم حتمی است و شاه رفتنی است. مقاله با گفتگوی لنین با زندانبانش

### جبهه ی متحد ضد فاشیستی چرا و چگونه شکل گرفت؟

جهان کنونی جهانیست که بیش از ۸۰٪ تولید و بازار بین المللی در ید قدرت و حاکمیت ۵۰۰ ابر کنسرن بین المللی قرار دارد. این کنسرنها بر بنیان این موقعیت اقتصادی، حاکمین جهان کنونی هستند که علاوه بر قهر اقتصادی، منافع خود را با قهر سیاسی توسط دولت های وابسته به خود علیه همدیگر و یا علیه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان اعمال می کنند. درآمد ده بانک از ۱۰۰ بانک بزرگ بین المللی در سال ۲۰۱۸ به قرار زیر است:

مقدار درآمد به میلیارد در سال 2018	کشور مادر کنسرن	نام بانک
4.027,44	چین	Industrial and Commercial Bank of China
3.376,52	چین	China Construction Bank
3.287,36	چین	Agricultural Bank of China
3.092,21	چین	Bank of China
3.069,20	ژاپن	Mitsubishi UFJ Financial Group
2.765,05	آمریکا	JPMorgan Chase
2.558,12	انگلستان	HSBC
2.354,51	آمریکا	Bank of America
2.336,66	فرانسه	BNP Paribas
2.123,61	فرانسه	Crédit Agricole
25703,32		کل درآمد سال 2018 ده بانک فوق



## طبقه کارگر راه را.... بقیه از صفحه ۱

توده ای زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و تهی‌دستان که میلیونی هستند در پیشاپیش مبارزات قرار دارد. ما در زیر یک بیک به بررسی مناسبات بین دو طبقه اصلی جامعه طبقه کارگر و بورژوازی می‌پردازیم:

### یک مارکس را بحران ساختاری زنده کرد

از زنده شدن مارکس شروع می‌کنم چون اوست که به بشریت مترقی، علمی را عرضه کرد که براساس اصول، تئوری‌ها و سبک درست اندیشیدن می‌توان به حقیقت نسبی و درست‌ترین‌ها در باره اوضاع دست یافت.

بحران ساختاری سرمایه‌داری در سال ۲۰۰۸ تمام رشته‌های که رویزیونیست‌ها و ایدئولوگ‌های بورژوازی باهم در چند دهه آخر قرن بیستم بهم بافته بودند، پنبه کرد. نویسنده کتاب "پایان تاریخ" را مجبور کرد به اشتباه خود اعتراف کند و کار به جایی رسید که مجله تایم آمریکا با چاپ عکسی از کارل مارکس روی جلد

نوشت: **حق با مارکس بود**

Marx was right -

این بحران ساختاری سرمایه‌داری با تمام تلاش‌های جی‌هفت، جی‌هشت و جی‌بیست نتوانست گرایش عمومی بحران زای ساختاری سرمایه‌داری را ذات نظام است تغییر دهند و امروز با بروز ویروس و اگیر کرونا ناتوانی نظام‌های سرمایه‌داری را باز هم بیشتر بر ملا ساخت. بزرگترین قدرت انحصاری جهان، امپریالیسم آمریکا که قرن بیستم را بنام خود سکه زده بود و ادعای قرن بیستم را هم بعنوان قرن آمریکا داشت هنوز دو دهه از قرن بیست و یکم نگذشته که سیر نزولی‌اش بعنوان ابر قدرت دیده می‌شود. ویروس کرونا خصوصیت ذاتی سرمایه‌داری را در گرایش به رکود و گندیدگی جلو چشمان مردم جهان به نمایش گذارد.

این بحران ساختاری سرمایه‌داری در ایران هم در هردو جبهه تأثیر بسیار و تعیین‌کننده‌ای گذاشت. طرح نئولیبرالیستی نظام را با شکست کامل روبرو ساخت و از سوی دیگر جنبش کارگری وارد مرحله‌ی نوینی برای ایجاد تشکلات مستقل از شورا‌های اسلامی و در نتیجه بسط و گسترش مبارزات کارگری با سمت و سوی ضد سرمایه‌داری کرد. در این دوازده سال گذشته کلیه حرکت‌های مردمی و اجتماعی تدریجی خود را از نفوذ طبقه متوسط و خرده بورژوازی رها کرده است و به گرایش عمومی ضد سرمایه‌داری که در مراکز بزرگ کارگری ایران شکل گرفته، گرویده است. در زیر بیشتر به این تغییر مهم تاریخی خواهیم پرداخت.

### دوم پیوند دیروز و امروز و فردا

ماتریالیست‌های تاریخی سیر حوادث را بهم پیوسته می‌بینند، گذشته و حال را برای شناخت از آینده مورد بررسی قرار می‌دهند. خوب مقایسه

کنیم وضع رژیم جمهوری اسلامی را در پس از کسب قدرت سیاسی در بهمن ۵۷ و پس از چهل و یک سال حکومت. رژیمی که در آغاز مورد پشتیبانی اکثریت مردم بود امروز به رژیمی فرومانده با پشتیبانی اقلیتی بس ناچیز آنهم جیره‌خواران وابسته تبدیل شده است. چنانچه تنها همین عامل را در نظر بگیریم می‌بینیم این یک تحول بزرگ به سود انقلاب و تغییر بزرگ اجتماعی است. این پیروزی البته به آسانی بدست نیامده است. در مبارزه‌ای سخت، بغرنج و طولانی حاصل گردیده است. از قیام توده‌ای وسیع زنان علیه حکم حجاب اجباری خمینی آغاز شد تا مبارزات مسلحانه در ترکمن صحرا، بابل و گرگان، سنندج و شیراز و خرمشهر تا خیزش‌های ۸۸، ۹۶، ۹۸ منطق دشمن سرکوب و کشتار و شکنجه بود و هنوز هست ولی منطق جبهه‌ی مقاومت وضد نظام حاکم هم مبارزه و مقاومت در برابر آن. البته هنوز مسئله کی برکی پیروز می‌شود حل نشده است اما در این مسیر طولانی جبهه‌ی حاکم فرسوده و ضعیف شده و جبهه مردمی قوی و قدرتمند.

### سوم جنبش مستقل کارگری راه را باز می‌کند.

مبارزه‌ی طبقه کارگر ایران پشتوانه‌ای قوی از صد سال پیش دارد. این طبقه نافرمان به بلشویسم و جنبش انقلابی سو سیال دمکراسی روسیه که انقلاب اکتبر را به پیروزی رساند از همان آغاز وصل بوده است. در آستانه انقلاب ۵۷ آن نیرویی که استخوانبندی جنبش توده‌ای شهرها بود کارگران بویژه کارگران متمرکز در صنایع پیشرفته از جمله کارگران نفت بودند. بسته شدن شیر نفت کمر دیکتاتوری محمد رضا شاه را شکست. این نیروی عظیم اجتماعی امروز از هر لحاظ رشد و تکامل یافته است و به نیروی تعیین‌کننده در سرنوشت جامعه و انقلاب در حال شدن تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی فرومانده و در مانده با ماهیت ضد کارگری‌اش بازم از طریق شوراهای اسلامی و با پشتیبانی اصلاح‌طلبان و گرایش‌های رویزیونیستی همراه رگه‌هایی از ته مانده‌های عمده کردن خطر امپریالیستی با جمع آوری شش هزار امضا تلاش مذبحخانه‌ای کردند تا راه را بر جنبش مستقل کارگری برای پیشرفت که جنبش آبان ماه مهرماه و تأیید جنبش دانشجویی هموار کرده است منحرف سازند. اما بیانیه مشترک و متحد چهارده تشکل مستقل کارگری جوابی راستین و دندان‌شکن به این جریان بود. که ما در این شماره این بیانیه را کامل آورده ایم. حزب ما سال‌هاست برای ایجاد اتحاد کلیه نیروهای توده‌ای به گرد تشکل‌های مستقل کارگری برای براندازی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بعنوان بدیلی در برابر بدیل‌های بورژوازی راست و اصلاح‌طلبانه که هدفشان استقرار یک نظام دیگر سرمایه‌داریست مبارزه می‌کند. اعلامیه چهارده تشکل نویدی است برای این مشی و این

بدیل که باید با تمام نیرو پیگیری شود.

## چهارم قدرت ما در درستی خط مشی سیاسی ماست

اما بزرگترین پیروزی در جبهه‌ی ایدئولوژیک و مشی سیاسی است. چپ ایران در این روند چهل ساله و در جریان سرکوب همه‌جانبه به یک عقب نشینی استراتژیکی تن داد. جوانه‌هایی در درون آن با نقد گذشته توانستند تدریجاً راه رشد و پیشروی را باز کنند و با نقد همه‌جانبه گذشته راه و روش انقلابی که هیچگونه توهمی به بورژوازی و خرده بورژوازی ندارد بدست دهد.

تشکیلات کمونیستی ما که در مبارزه علیه رفرمیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران جان گرفته بود و در مبارزه‌ی ۱۶ ساله خود علیه رژیم شاهنشاهی جزء پیشقروان بود در آستانه انقلاب ۵۷ دچار یک مشی انحرافی راست سیاسی در پشتیبانی از بورژوازی و خرده بورژوازی اسلامی شد و برخورد دوگانه را به نظام تازه پا گرفته در پیش گرفت. برای توجیه این مشی نادرست عمده کردن خطر امپریالیسم بویژه سوسیال امپریالیسم بود. عملکرد ضد کمونیستی رژیم از همان روزهای اول که در اسفند ماه ۵۷ میتینگ سازمان انقلابی را حزب الهی‌ها با همراهی دارودسته کیانوری بهم زدند زنگ‌های خطر را به صدا در آورد اما بیش از یکسال طول کشید تا مبارزه درون حزب به پیروزی خط مشی براندازی کل نظام جمهوری اسلامی در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ برسد. هنگامی که نادرستی آن در عمل ثابت شد تغییر آن به مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی تا سطح مقاومت مسلحانه جریان یافت.

حزب در گذر دو دهه خود در کردستان با جمع‌بندی از این پراتیک چند ساله مسیر نوینی را در پیش گرفت که تا امروز ادامه یافته است. سه نکته اساسی این جمع‌بندی بقرار زیر است.

یکم: انقلاب ایران در مرحله انقلاب سوسیالیستی است و دوطبقه اصلی پرولتاریا و بورژوازی در برابر هم صف آرایی کرده‌اند. حزب ما جزیی از طبقه پرولتاریاست و خود را جدا از آن نمی‌داند و باید تمامی و کاملاً خود را در خدمت این رسالت تاریخی پرولتاریا بگذارد.

دوم: توده‌ها سازندگان تاریخند، انقلاب سوسیالیستی را کارگران و توده‌های عظیم مردم استثمار شده و ستمدیده به سرانجام می‌رسانند بنابراین کار اساسی حزب در سازماندهی و تشکیلات کار در میان کارگران و متحدان آنست. سوم: تئوری راهنمای حزب دیگر ایسم‌های ترکیب شده مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون نیست بلکه کمونیسم علمی است که باید به عنوان راهنمای عمل بکار گرفته شود و بدور از هرگونه الگو برداری بر اساس شرایط مشخص جامعه کنونی ایران و انقلاب سوسیالیستی آن بکار رود. این مبارزه برای دسترسی به نظرات درست به آسانی بدست نیامده است و همچنان



باید ادامه یابد. ما امروز از پراتیک اجتماعی - سیاسی دیروز هستیم و در عمل آموختیم که یک حزب سیاسی را چه خطراتی تهدید می کند. آموختیم که باید دموکراسی درون تشکیلات را چون مردمک چشم حفظ کرد، در روند تصمیم گیری ها بویژه خط مشی های عمومی و رهنمود های عمومی از پائین به بالا و از بالا به پائین در محیط یادگیری از هم و باشیوه ای علمی عمل کرد. نقد گذشته و جمع بندی مکرر در مکرر از پراتیک خود در پرتو تجارب جدید و از همه مهمتر آموزش از پراتیک گسترده ی جنبشهای کمونیستی و کارگری در سراسر کشورهایی چون ایران - کشور های پیرامونی یا جنوبی ما را با درایت تر کرده است و همه شواهد حکایت دارد که نسل جوانی از میان جنبش قدرتمند مستقل کارگری ایران در حال شکل گیریست که حزب ما با تمام نیرو تلاش دارد با آن همراه وهمسو و یکی شود.

خطر این جنبش نوین کمونیستی را هیچکس بهتر از حکومت نمی شناسد. خامنه ای بارها رو به این خطر اشاره کرده است. پشتوانه این گرایش کمونیستی جنبش های وسیع اجتماعی کارگران وزحمتکشان بویژه خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ اند که نه تنها کل نظام را هدف قرار داده بلکه پرچم راستین ضد سرمایه داری را به اهتزاز در آورده است.

محسن رضوانی

### رفیق ایرج کشکولی.... بقیه از صفحه

۱

مدت طولانی به کار در میان کارگران مهاجر پردازد. پس از ایجاد حزب رنجبران ایران از طرف کمیته مرکزی به عضویت دفتر سیاسی حزب رنجبران انتخاب شد. او با حفظ این مسئولیت در جنگ مقاومت ایل قشقایی به رهبری خسرو قشقایی با تشکیل گردان مسلح مستقل حزب رنجبران ایران موازی با آردوی ایل شرکت کرد و نقش تاریخی این گردان سرخ انقلابی همچنان زبانزد توده های مردم فارس است. طبق گزارش های رفقای ما که در آخرین درگیری ها با سپاه پاسداران شرکت داشتند، بیش از صد نفر از نیروهای تجاوز گر به هلاکت رسیدند و نیروی مسلح حزب در عقب نشینی منظم بدون هیچگونه تلفاتی همه نیروهای خود را حفظ کرد. او پس از تهاجم همه جانبه رژیم بنا به رهنمود حزب به کردستان منتقل شد. طبق خواست خودش هنگامی که فعالیت در کردستان بر اثر وجود گرایش های سکتاریستی مسلط در کردستان، ثمره ای ببار نمی آورد به فرانسه رفت.

یادش گرامی باد  
حزب رنجبران ایران



### جبهه ی متحد ضد.... بقیه از صفحه ۱

این ده بانک بزرگ جهانی، بر طبق قانون الیگارشلی مالی بر ۹۰ بانک بزرگ جهانی دیگر با درآمد ۶۲۱۱۹،۱۸ میلیارد دلار، حاکمیت دارد و توسط آنها کنترل خود را بر سرمایه ۵۰۰ ابر کنسرن بین المللی اعمال می نمایند. (درآمد سال ۲۰۱۸، ۵۰۰ کنسرن بین المللی حدود ۷۱ هزار میلیارد دلار بوده است) و مکنده های این کنسرن ها تا اعماق زمینه های اقتصادی تمام کشورهای دنیا رخنه کرده و آنها را می مکنند.

ولی بزرگترین بانکها و کنسرن ها اساسا در رقابت مرگ و زندگی علیه هم هستند. مثلا بانک چین در ۲۰۱۵ در مقام نازلی قرار داشت و بانک آمریکا در مقام اول بود. حال بانک های چینی در مقام اول و بانک آمریکا در مقام هشتم قرار دارد. این بدان معناست که بانک های چینی، بخش عظیمی از بازارهای مالی تحت کنترل بانک آمریکا را از چنگاش درآورده اند. این رقابت عظیم بین المللی به یک جنگ تمام عیار اقتصادی بین ابر کنسرن ها انجامیده و جنگ تجاری اخیر بین آمریکا و چین این روند را به اوج خود رسانده است. ادامه این جنگ تجاری اخیر می تواند در سال آینده حدود ۶۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد مریض جهان سرمایه داری ضرر وارد آورد.<sup>۱</sup>

بر بنیان این تنش در سال گذشته بودجه نظامی اکثر کشورهای جهان افزایش چشمگیری داشت: برای نمونه:

بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹ حدود ۷۳۲ میلیارد دلار برآورد شده که نسبت به سال گذشته ۵،۳ درصد افزوده گردیده است. سهم این کشور از کل بودجه نظامی جهان ۳۸٪ است.<sup>۲</sup> بودجه نظامی چین در سال ۲۰۱۹، ۲۶۱ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۵،۱٪ افزایش نشان میدهد.<sup>۳</sup>

بودجه نظامی هند در سال ۲۰۱۹، حدود ۷۱ میلیارد دلار بود که نسبت به سال قبل، ۶،۸٪ افزوده شده است.<sup>۴</sup>

تنش اقتصادی بین کنسرن های عظیم بین المللی و افزایش بودجه نظامی کشورهای بزرگ سرمایه داری، خود را به شکل اعمال سیاست ها و اقدامات تهاجمی ظاهر می سازد.

آزمایش انواع و اقسام سلاح های کشتار جمعی، گسیل نیروهای نظامی به اطراف کشورهای دیگر، آزمایشات هولناک سلاح های بیولوژیک، اعمال قهر و زور شبه فاشیستی به صورت محاصره اقتصادی کشورها، به ویژه از جانب آمریکا، و دخالت های

- ۱ - خبرگزاری مهر ۱۶،۵،۲۰۲۰
- ۲ - گزارش موسسه تحقیقات بین المللی صلح - استکهلم ۲۰۲۰
- ۳ - همانجا.
- ۴ - همانجا.

مستقیم در امور کشورهای دیگر، مثل دخالت آمریکا، روسیه و ایران در امور سوریه، دخالت آمریکا و ایران در امور عراق، دخالت چین در امور هنگ کنگ و تایوان، همه و همه به تنش و نا آرامی در جهان می افزاید. لازمه پیش برد جنگ اقتصادی و نظامی نیز، وجود دولت های مهاجم و جنگ طلب است. بر بنیان این حقایق تلخ و درد آور است که امروزه دولت های دست راستی، شبه فاشیستی، راسیستی، بر سر کار می آیند و یا نیروهای فاشیستی در بدنه جامعه قدرت می گیرند.

هر انسان آزاده و متفکری در این دنیای بزرگ از خود سؤال می کند؛ دعوا بر سر چیست؟ تنش های اقتصادی و نظامی بین نیروهای فعال حاکم بر جهان چه علتی دارد؟

دعوا بر سر امکان بیشتر جهت چپاول ثروت است. دعوا بخش های نظام سرمایه داری در جریان رقابت، چه در کارخانه، چه بورس، چه ساختمان و چه مواد اولیه زندگی، بلعیدن ارزش اضافه واقعی تولید شده توسط کارگران است.

رقابت های افسار گسیخته در سطح بین المللی، باعث فقر و بی خانمانی و آوارگی و بیکاری میلیونی کارگران و بسیاری از زحمتکشان کشورهای تحت ستم می گردد، در حالی که فشار استثمار توسط بورژوازی هر قلمرو سیاسی بر کارگران و زحمتکشان علاوه بر معضلات فوق با سرکوب خونین و دیگر نارسائی های اجتماعی همراه است. نمونه ای از هزاران واقعیت دردناک می تواند گویا باشد: ارزش نیروی کار یک کارگر معمولی در آمریکا در شهر شیکاگو در سال ۱۹۶۸ برابر با ۱،۶۰ دلار بوده است. ارزش کار همان کارگر در سال ۲۰۱۹ برابر با ۷،۲۱ دلار بود. ارزش واقعی مزد کار سال ۲۰۱۹ این کارگر به مراتب کمتر از همان در سال ۱۹۶۸ می باشد. برای تداوم این استثمار و امنیت استثمارگر، پلیس شیکاگو با ۱۳۰۰۰ افسر و ۱۸۰۰ نیروهای دیگر این منطقه ۸ میلیون نفری را محافظت می کنند.<sup>۵</sup>

در جهانی که ما امروز در آن زندگی می کنیم ۸۲۱ میلیون نفر از گرسنگی مزمن رنج می برند. میلیون ها نفر از کشورهایشان آواره گشته و در مرزهای اروپا و آفریقا زندگی مصیبت باری را می گذرانند. تقریبا زندان های جهان مملو از زندانیان سیاسی ست.

در جهان آبی و زیبای ما طبقه ای در حاکمیت است که برای سود لحظه ای، جنگل های جهان را نابود می سازد، هوا و اتمسفر را مسموم نموده و برای ادامه زندگی غیر قابل تحمل مینماید، زنجیره های حیات را از هم می گسلد و زندگی حیوانات، از جمله انسان را در معرض نابودی قرار می دهد.

مردم جهان و در مرکز آن طبقه کارگر بین المللی نسبت به ستم ها و فجایع اعمال شده، تخریب محیط زیست و شدت استثمار از سوی سرمایه داری که روز افزون است، انعکاس نشان می دهد، بر





قطعه‌نامه تشکله‌ها و.... بقیه از صفحه ۱

کارگری بعنوان نمونه می‌آوریم و برای مطالعه بیشتر لینک‌های بقیه اعلامیه را می‌گذاریم. گرمی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر و دوازدهم اردیبهشت روز معلم امسال در حالی به استقبال روز همبستگی جهانی کارگر و روز معلم می‌رویم که شرایط معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر حقوق‌بگیران و نیروی کار نسبت به سال گذشته بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر شده است. پیامدهای ویرانگر و خاتمان‌برانداز سیاست‌های چند دهه دولت‌ها؛ تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، خصوصی کردن بیش‌ازپیش آموزش و بهداشت عمومی هرروز بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. سیاست‌هایی که فزاینده‌تر از دولت‌ها، سیاست کل حاکمیت است و جناح‌های سیاسی بر روی آن اتفاق نظر دارند.

در این میان سقوط بی‌پایان ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، افزایش دوپست درصدی قیمت بنزین و تورم رسمی چهل و یک درصدی موجب کاهش شدید قدرت خرید مزدبگیران شد. در کنار این سیاست‌ها دولت در همراهی کامل با صاحبان سرمایه که اکثر آنان از رانت و فساداری به سیستم برخوردارند، با افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۹، نه تنها چهره‌نمایشی سه‌جانبه‌گرایی را از قبل آشکارتر نمود؛ بلکه نشان داد که می‌خواهد وضعیت معیشت حقوق‌بگیران را از قبل سخت‌تر و سفره‌هایشان را خالی‌تر نماید.

اول ماه مه و روز معلم، یادآور این است که کارگران، معلمان و دیگر حقوق‌بگیران باید در جهان و ایران متحدتر شوند و برای سازمان‌دهی خودشان بیشتر از گذشته تلاش نمایند. چراکه سیستم مبتنی بر سود و سرمایه با ثروت‌اندوزی برای یک درصدی‌ها و استثمار اکثریت کارگران و حقوق‌بگیران برای سود بیشتر، نشان داده که حتی در شرایط بحران‌های بهداشتی همچون کرونا نیز قادر به مراقبت از شهروندان نیست.

هرچند امسال شرایط تجمع و برگزاری مراسم جشن روز جهانی کارگر و معلم به علت شیوع ویروس کرونا فراهم نیست، اما فراموش نمی‌کنیم که ما در ایران همه‌ساله به خاطر برگزاری روز جهانی کارگر و روز ملی معلم، توسط عوامل امنیتی سرکوب و بازداشت می‌شویم و حتی اجازه برگزاری مراسم مربوط به خودمان را نداریم. در سال گذشته ده‌ها تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی از فعالان کارگری، بازنشسته، دانشجویی و صنفی فقط به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه و ده‌ها تن از معلمان عضو تشکلهای صنفی در سراسر ایران به خاطر شرکت در مراسم روز معلم بازداشت، توییح و بعضاً به حبس‌های

این شرایط دوگانه، ضرورت ایجاد یک جبهه متحد ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی بین‌المللی را ضروری می‌سازد. بر مبنای همین ضرورت سازمان‌های ICOR و ILPS در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ اولین فراخوان تشکیل این جبهه را انتشار دادند و از همه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب مترقی، کمونیست و ضد امپریالیست خواستند که به این جبهه بین‌المللی بپیوندند.

حزب ما نیز با درک این واقعیت، که از یک سو دولت‌های سرمایه‌داری (امپریالیستی و غیر امپریالیستی) بر اثر تشدید تضادهای درونی سیستم امپریالیستی حاکم بر جهان و تقابل با نیروی کار و زحمت، روز افزون به راست می‌غلتنند و به نیروهای فاشیستی و شبه فاشیستی تبدیل می‌شوند، از سوی دیگر ایست ناپذیر و گسترش‌یابنده‌ی پرولتاریا، دیگر زحمتکشان و کلیه عناصر ناراضی، به چپ در حرکت هستند، مصمم به تقویت این جبهه‌ی بین‌المللی ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی است.

بدین جهت ما به دعوت عام سازمان‌های ICOR و ILPS در پیوستن به این جبهه‌ی جهانی، جواب مثبت خود را چنین فرموله کردیم:

«ما به خاطر ارسال فراخوان ضد فاشیستی برای امضاء سپاسگزاریم. ما علی‌رغم داشتن زاویه با دید شما نسبت به امپریالیسم و عدم عضویت در ایکور، در کنار فعالین طبقه کارگر علیه موج فزاینده فاشیستی و شبه فاشیستی، نیروهای سرمایه‌داری، فراخوان را امضاء می‌کنیم.»

6 - International Coordination of Revolutionary Parties and Organizations

7 - International League of Peoples' Struggle

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران  
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز  
www.ayenehrooz.com

می‌خیزد و با همبستگی روز افزون، مبارزه دوران ساز خود را سازمان می‌دهد.

در فرانسه جلیقه زردها تجلی می‌یابند، در آمریکا، ما ۹۹٪ هستیم پا به خیابان می‌گذاریم، در ایران هر روز ۵ اعتصاب کارگری ثبت می‌گردد و در اعتراض به گرانی بنزین میلیون‌ها نفر وارد کارزار میشوند، در هند در عرض دو روز ۲۰۰ میلیون از کارگران در سال ۲۰۱۹ به خیابان می‌ریزند. میلیون‌ها نفر علیه نشست‌های G۵ خیابانها را اشغال می‌کنند در عراق جمعیت میلیونی علیه رژیم فاسد و نیروهای اشغالگر به مبارزه‌ای طولانی دست می‌زنند...

این اعتراضات و تظاهرات میلیونی در اثر تجربه عملی خود، کار پیگیر کمونیست‌ها در ارائه سمت و سوی درست، و سیاست‌های سرکوب و ارباب‌بورووازی، هر روز بیشتر به سمت چپ میل می‌کنند.

لذا ناشی از شرایط بین‌المللی که در پیش ذکر گردید و گسترش مبارزات میلیونی توده‌ها در سطح جهان، نیروهای فاشیستی و شبه فاشیستی چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی خود را علیه پیشرفت، ترقی و انقلاب، علیه حرکت به سمت سوسیالیسم سازمان می‌دهند، تقویت می‌کنند و وارد عمل می‌شوند. زیرا این نظم گندیده و ستمگر فقط با سرکوب و قهر علیه توده‌ها می‌تواند برای لحظه‌ای تاریخی خود را پابرجا نگهدارد.

بدین جهت برای نجات بشریت از حاکمیت مجدد فاشیسم در سطح جهانی، برای برداشتن گام‌های ضروری در حرکت به سوی سوسیالیسم، یک جبهه‌ی جهانی ضد فاشیستی اهمیت حیاتی یافته است.

جامعه بشری یک بار ظهور و قدرت‌گیری فاشیسم را تجربه کرده است. بشریت این تجربه را با دادن ۵۰ میلیون قربانی، کشورهایی ویران و مردمانی آواره و گرسنه، از سر گذرانده است. این تجربه نباید تکرار شود.

نیروهای سرمایه‌داری، اعم از «دمکرات»، شبه فاشیست و یا فاشیست، تا نهایت سازمان داده شده هستند. آن‌ها علیه توده‌ها قهر سازمان داده شده اعمال می‌کنند.

ولی مردم نه تنها سازمان داده شده نیستند، نه تنها به لحاظ سمت و سوی سیاسی در یک جهت نیستند، بلکه پراکنده‌اند. بر سر مسائل حتی جزئی در جدال و چند دستگی‌اند. این شرایط بهترین موقعیت برای رشد فاشیسم و شبه فاشیسم، رسیدن آن‌ها به قدرت و نفوذ در بین مردم است.

در عین حال در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها، سازمان‌های کمونیستی راستین، سازمان‌ها و احزاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک، گروه‌های همیاری مردمی شکل گرفته و در حال بسط و گسترش هستند.



## به یاد رفیق ایرج

براستی در زمانه تلخی به تجربه حیات سراسر ناگوار خود ادامه میدهم، هر روز غم رفیقی و عزیزی بر روح و روانمان چون کوهی سنگینی میکند، و اشک دیده گامان میخشد این بار رفیق ایرج ککشولی از میامان رخت بر بست، کلماتی چون یادش گرمی باد نمی تواند اصل مطلب را برساند.

اولین بار اگر اشتباه نکنم در پاییز ۵۳ با آدرسی که به رفیق از طرف سازمان داده شده بود، در شبی شرجی رفیق را که در انتظارش بودیم در محله ی کارگری ایرانیان که خانه مشترکی با دیگران داشتم در خلیج ملاقات کردم بعد از رد و بدل رمز قرار ها و شناخت متقابل همدیگر را در آغوش گرفتیم، مثل اینکه صد سال است یکدیگر را میشناسیم. طولی نکشید، راهی منزل شدیم و بعد از خوردن شام مختصری که از سر راه گرفتیم تا نیمه های شب از کل اوضاع جهان آنروز و داخل کشور وظیفه سازماندهی میان کارگران که وظیفه اصلی تشکیلات بعنوان کار توده ای تعیین شده بود صحبت کردیم. از اوضاع ایران، کردستان، فلسطین و جنبش فداییان خلق و اوضاع چین و نقش روزیونیزم شوروی، رفیق ماثوتسه دون و اوضاع خودمان گفتیم.

آنشب یکی از به یاد ماندنی ترین شبهای تمامی روزگاران زندگی من شد و تا امروز همچنان در خاطره ام زنده مانده است.

آنوقت نمی دانستم پسر خان قشقایی، تحصیل کرده آلمان به همه اینها پشت کرده و برای یک وظیفه تاریخی سازمان انقلابی به خلیج برای پیوند با کارگران آمده است. در رفتار و کردارش کوچکترین نشانه ای از این گذشته طبقاتی دیده نمی شد.

رفیق نزد من در اتاقی محقر زندگی نوینی را آغاز کرد آپارتمان ما که به عربی بان، «شقه»، میگفتند دارای سه اتاق و یک آشپزخانه ی کوچک بود که من و رفیق در آن میزیستیم، در سه اتاق دیگر چند کار گر نجار، ساختمانی وخیاط ساکن بودند. من خود نیز صبح ها میرفتم سر کار و طولی نکشید، «حاج محمود»، یک وانت بار تهیه کرد و شروع کرد به کار مسافر کشی در شهر و از طرف دیگر در کمتر از یکی دوماه متوجه شدم رفیق اسماعیل معرف به حاج محمود با یکا یک کارگران ساکن در شقه پیوند دوستی و روابط عمیق و صمیمی ای را بوجود آورده است، دوستان کارگر هرشب او را سر شام دعوت میکردند و معمولا سهم غذایی هم از او دریافت نمیکردند.

برای من عجیب بود که در فاصله ای اینچنین کوتاه در میان این دوستان کارگر سرعت جا افتاده و مورد احترام قرار گرفته بود، یادش همواره در ضمیر نا خود آگاه من باقی خواهند

ما خواستار برخورداری همه کارگران، معلمان و بهویژه معلمان بازنشسته و دیگر حقوق بگیران از تأمین اجتماعی کارا و مؤثر، از جمله بیمه بیکاری کافی هستیم.

ما تمام کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و حقوق بگیران را به همبستگی بیشتر فرامی خوانیم و تنها راه احقاق حقوق پایمال شده آنان را، گسترش و تقویت تشکل های مدنی مستقل و اتحاد عمل بین تشکل ها بر سر مطالبات اساسی و مشترک می دانیم.

بی شک مطالبات فوق درگرو برخورداری از آزادی بیان و آزادی حق تشکل یابی است. ما با هر نوع سرکوب آزادی به شکل آشکار و پنهان مخالف هستیم.

به امید تحقق جامعه ای آزاد و برابر به همراه صلح و شادی و رفاه

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

اسامی تشکل ها صنفی فرهنگیان و تشکل های کارگری امضاء کننده بیانیه :

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کانون صنفی معلمان اسلامشهر

کانون معلمان همدان

کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر

انجمن صنفی معلمان کردستان\_مریوان

انجمن صنفی معلمان کردستان\_سقز و زیویه

انجمن صنفی بازنشستگان کشوری

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

طولانی مدت محکوم شدند؛ که این محکومیت ها و روند سرکوب همچنان ادامه دارد.

ما، تشکل های صنفی، مدنی اعم از معلمی یا کارگری به عنوان امضاکنندگان این بیانیه اعلام می داریم که حق داشتن تشکیلات مستقل، تجمع، اعتراض و حق اعتصاب، سندیکایی و کانون های صنفی را برای همه ی کارگران، فرهنگیان و حقوق بگیران دیگر به رسمیت می شناسیم و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، روز ملی و روز جهانی معلم، روز دانشجو و روز جهانی زن را از حقوق مسلم خود میدانیم.

ما خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان و همه فعالان مدنی و سیاسی دربند هستیم و از مقامات قضایی و امنیتی می خواهیم که به سرکوب ها پایان دهند و منع تعقیب تمامی بازداشت شدگان روز جهانی کارگر سال ۹۸ و فعالان صنفی معلمان را صادر نمایند.

ما خواستار حقوق برابر برای زنان و مردان در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستیم.

ما خواهان افزایش حداقل دستمزد، متناسب با تورم واقعی و هزینه های معیشتی واقعی خانوارهای کارگران و همسان سازی حقوق معلمان شاغل و بازنشسته با سایر حقوق بگیران هستیم. ما معتقدیم، درحالی که خط فقر حدود هشت میلیون تومان است، تعیین حداقل دستمزد به میزان یک میلیون و هشتصد هزار تومان، بی توجهی آشکار به معیشت و زندگی اکثریت زحمتکشان است.

ما خواستار فراهم کردن شرایط لازم برای دستیابی تمام کودکان به آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه، خدمات بهداشتی رایگان و امکانات ورزشی و تفریحی مناسب هستیم.

ما خواهان لغو سیاست های خصوصی سازی، سیاست های ارزان سازی و بی ثبات سازی نیروی کار، تعدیل اقتصادی، تعطیلی کارگاه ها و اخراج های بی رویه، توقف خرید خدمات آموزشی و برخورداری از امنیت شغلی معلمان خرید خدمت و نیروی کارآموزی در بخش خصوصی هستیم.

ما خواستار توقف فوری کار کودکان و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه مدرسه هستیم.

ما خواهان اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به صورت کامل، به خصوص برای بازنشستگان فرهنگی و تأمین بیمه پایه فراگیر، کارآمد و رایگان برای تمام بازنشستگان هستیم.

ما ضمن قدردانی از خدمات کادر درمانی در شرایط دشوار کنونی، خواهان پرداخت همه مطالبات پرستاران و کارکنان کادر درمانی فداکار، افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار آنان و همچنین در اختیار گذاشتن تمامی امکانات ایمنی و بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا هستیم.

**بجز نوشته هایی که با  
امضای تحریریه منتشر می  
گردد و بیانگر نظرات حزب  
رنجبران ایران می باشد  
دیگر نوشته های مندرج  
در نشریه رنجبر به امضای  
فردی است و مسئولیت آنها  
با نویسندگانشان می باشد.**



## برنامه فوری ام ال پ د در رابطه با بحران کرونا

حزب مارکسیستی لنینیستی آلمان (ام.ال.پ.د.) در تاریخ ۱۶،۰۳،۲۰۲۰ اطلاعیه ای تحت عنوان: برنامه ی فوری ام.ال.پ.د. در رابطه با همه گیر شدن کرونا منتشر کرد.

Sofortprogramm der MLPD zur Corona-»

”Pandemie

### برنامه فوری ام.ال.پ.د. در رابطه با همه گیر شدن کرونا

همه گیر شدن کرونا، باعث بحران بهداشتی هیجان انگیزی در جهان گردید. شرایط غیرعادی احتیاج به اقدامات غیرعادی دارد. ام.ال.پ.د. بلافاصله در مراحل اولیه با پذیرش کامل مسئولیت وارد عمل شد. حزب با یاد قربانیان وبا آرزوی سلامتی و بهبودی سریع برای بیماران، بهترین محافظت ممکن را در برابر خطر عفونت آرزو می کند. مشکل اصلی در حال حاضر در آلمان باز تولید وگسترش تساعدی ویروس است. سیستم های بهداشتی، چنان قربانی کسب حداکثر سود کنسرن های دارویی و بهداشتی شده اند که در مرز انهدام قرار گرفته اند. در ایتالیا، سیستم مراقبت های بهداشتی آنقدر تحت تأثیر قرار گرفته است که پزشکان باید در معالجه بیماران انتخاب کنند، کدام بیمار را معالجه و کدام بیمار را به حال خود، تا مرگ، رها سازند.

خواستهای ام.ال.پ.د.:

+ ایجاد ۱۵۰،۰۰۰ موقعیت شغلی، دوبرابر کردن امکانات آموزشی در عرصه پرستاری و در بخشهای مراقب های ویژه در آلمان!

آنچه که باید مورد نقد واقع گردد این است که دولت فدرال و انحصارات تلاش می کنند با سوء استفاده از بحران کرونا، صدمات ناشی از بحرن را به دوش توده های مردم انتقال دهند. می کوشند صدمات ناشی از بحران جدید اقتصادی و مالی جهانی که از اواسط سال ۲۰۱۸ گریبانگیر آنها شده است را در سایه کرونا بپوشانند. ام.ال.پ.د. اعلام می کند: بیکارسازی، تشدید استثمار در کارخانه، به صحنه آوردن ارتش برای تشدید محدودیت های دموکراتیک باید متوقف گردند.

+ تلاش برای انتقال نتایج حاصله از بار بحران محیط زیست، بحران اقتصادی و مالی جاری، به گرده طبقه کارگر و زحمتکشان باید متوقف گردد. تنها پاسخ برای نجات از هرج و مرج بحران های سرمایه داری، آلترناتیو سوسیالیستی است!

در نتیجه اتخاذ سیاست های چرخش به راست دولت ها، بسیاری از آنها که مطابق اصل ”کشور من اول” کار خود را آغاز کردند، فعالیت ها و کارهای تحقیقاتی تحت الشعاع رقابت های ناسیونالیستی قرار گرفت. این مسئله راه حل جهانی برای تولید واکسن را بطور چشمگیری دشوار می کند. به طوری که رئیس جمهور آمریکا ترامپ جرات پیدا می کند، یک میلیارد دلار به شرکت بیوتکنولوژی Tübingen Curevac پیشنهاد دهد فقط به این جهت که واکسنی را که علیه کوید ۱۹ اعلام کرده است، منحصر در اختیار ایالات متحده آمریکا قرار

کارگران را تامین کند، مبارزه جهت شرایطی که کارگران و زحمتکشان مجبور نباشند به چندین کار همزمان، به گذران زندگی مشقت بار، زندگی زیر قرض های کمر شکن، خودکشی و خود فروشی روی آورند؛ هنوز به مفهوم رفاه و آسایش واقعی برای کارگران و خانواده های آنان نیست. این مهم وقتی تامین خواهد شد که کارگران و زحمتکشان جامعه با واژگون کردن نظام سرمایه داری، قدرت سیاسی خود را که بر بنیان ”هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش“ استوار می گردد، برپا نماید.

ما در زیر بندهائی از برنامه حزب را که در برگیرنده بخشی از درخواست های رفاهی و اجتماعی طبقه کارگر است و جمع بندی منسجمی از مبارزه اجتماعی صد سال گذشته طبقه کارگر میباشد، می آوریم:

- مبارزه برای برسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض کارگران،

- مبارزه برای جلوگیری از اخراج کارگران،

- مبارزه برای استخدام رسمی و طرد استخدام موقت به مثابه توطئه در برده سازی بیشتر کارگران،

- مبارزه برای پرداخت حقوقهای معوقه و پرداخت به موقع آنها،

- مبارزه برای بالا بردن مزد حداقل کارگران به ۳ برابر مزد کنونی، با احتساب تورم سالانه،

- مبارزه برای ایجاد مسکن، تسهیلات جهت رفت و آمد به محل کار و غذای مجانی برای کلیه کارگران،

- مبارزه برای ۷ ساعت کار برای مردان و ۶ ساعت برای زنان در روز و ۵ روز کار در هفته،

- مبارزه برای ساعات کار کمتر در کارهای سخت، خطرناک و غیر بهداشتی مضر به تن و روان کارگران،

- مبارزه برای لغو کار شبانه، مگر در مواردی که اجتناب ناپذیر است و لغو اضافه کاری بیش از یک روز کار در ماه و با مزدی کمتر از ۰،۱ برابر مزد و یا تعطیلی معادل ۱،۵ روز عادی کار،

- مبارزه برای تامین امکانات بهداشتی و امنیتی در محیط کار جهت حفظ سلامت کارگران و به حداقل رساندن سوانح کار،

- مبارزه برای استفاده از مرخصی سالانه حداقل یک ماه با پرداخت کامل حقوق، پرداخت به موقع

مزدها، پاداشها و عیدی،

- مبارزه برای تهیه قانون کار توسط کارگران آگاه از جمله شامل خواستهای فوق باشد،

- مبارزه برای شرکت کارگران در کنترل میزان تولید کارخانه ها جهت گرفتن سود ویژه سالانه.

ع.غ

ماند. او همچون رفقا خسرو صفایی، حسن تهرانی، سید کمال، درس های فراوانی از شیوه های انسانی کمونیستی به بسیاری از رفقای جوان کارگر آموختند که چگونه سازمان انقلابی حزب توده چنین کادر هایی را تربیت کرده است که بی هراس از سختی ها با کمال تواضع و فروتنی زندگی خود را تمام و کمال در خدمت سازماندهی کمونیستی و آگاهی بخشیدن به کارگران گذاشته بودند. خاطره ای که از یاد رفتنی نیست و همراه رفیق اسماعیل بودم شهادت رفیق گرانقدر و کمونیست راستین خسرو صفایی در سال ۱۳۵۵ بود. رفیقی که نقش مهمی در ایجاد تشکیلات سازمان در خلیج داشت..

بعد از شام دوستان کارگر اخبار تلویزیون ایران را گوش میدادند که خبر دستگیری و کشتن رفیق خسرو صفایی را توسط نیروهای محمد رضا شاه اعلام کرد. من تا آنشب نام رفیق صفایی را، علی تهرانی، میدانستم، آنشب طبق معمول نشستیم تا دوستان کارگر، وقت خوابشان رسید و من و رفیق کشکولی که منم او را بنام حاج محمود میشناختم پا شدیم و به اتاق خود مان رفتیم. به مجرد رسیدن به اتاق ناگهان با کمال تعجب رفیق شروع بگریستن کرد و مویه کنان میگفت خسرو را از دست دادیم، جنبش چپ ایران یکی از بزرگترین رهبرانش را از دست داد. آنشب نیز به یکی از غم انگیز ترین شبهای زندگی من در کنار کاک اسماعیل بود.

یاد هردوی آنها گرمی باد و راهشان پر رهرو، رفقا سرمایه داری جهانی قدرت خود را بیش از پیش از دست داده است. بشریت در دوران پسا کرونا باید تکلیف خود را با کرنا سرمایه نیز روشن کند. گرمی باد خاطره رفیق عزیز ایرج کشکولی... آوانسیان، خ

## انقلاب اجتماعی و بندهایی از برنامه حداقل

بحران کنونی سرمایه داری جهانی که به فلاکت و فقر بیشتر کارگران و زحمتکشان و مزد بگیران دون پایه و ثروتمند تر شدن ثروتمندان بورژوازی خودی، کشورهای امپریالیستی و کمپانی های فراملی منجر شده؛ پی آمدهای بس سنگین و خطرناکی برای کل جامعه بشری و محیط زیست بوجود آورد است. در شرایطی که هنوز سرمایه داری در قدرت، و مبارزه با آن یک چالش عظیم اجتماعی است؛ در شرایطی که بی حقوقی و عدم امنیت شغلی به یک قانون در ایران تبدیل شده است، برنامه حزب ما زمینه های دموکراتیک مبارزه برای بسیج کردن و متشکل شدن طبقه کارگر، جهت به سرانجام رساندن انقلاب سوسیالیستی ایران را به صورت زیر طرح کرده است. مبارزه برای حداقل های زندگی، که حیات اولیه





هدا!

+ سیاستمداران و دولتهائی که چنین اعمال خودخواهانه و شونیستی اعمال می کنند باید فوراً استعفا داده و مجازات شوند!

گروه های تعیین شده برای حل بحران در دولتهای فدرال و ایالتی، هر نوع تصمیمی را جهت محدودیت های زندگی خصوصی شهروندان اتخاذ می کنند، در حالیکه تولید بزرگ در کارخانجات باید روند عادی خود را طی کند.

جلسات مجمع عمومی در کارخانه ها و هر نوع تظاهرات ممنوع میگردند درحالیکه تولید روند عادی خود را حفظ کرده و کارگران موقت به طورگسترده اخراج می شوند. کلیه این اعمال غیر مسئولانه نشان می دهند که در مرکز سیستم سرمایه داری فقط سود مطرح است و برای انسان ارزشی در نظر گرفته نمی شود. در ایتالیا اعتصابات مستقل برای توقف تولید به خصوص در کارخانه فیات، گزارش شده است که بعضاً موفقیت آمیز بوده اند.

+ توقف بلافاصله تولید کارخانجات صنعتی، حمل و نقل و ادارات به جز آنهاییکه به احتیاجات و ضروریات زندگی اجتماعی مربوط می باشند. محدود کردن شدید تولید که خود، سیاست های منفعت طلبانه زیست محیطی را دنبال می کند.

+ مرخص کردن کارگران و کارکنان با پرداخت کلیه حقوق و مزایا و بدون استفاده از مرخصی آنها!

+ پایان دادن به طبقه بندی های شغلی: همسان نگری به مدیران، کارگران خط تولید و نظافت چی ها. دولت فدرال و دولت های ایالتی طبق نظرات نخست وزیر، لاشت (نورد راین وست فالن) خواستار همبستگی و تمایل به انجام فداکاری هستند - اما فقط همبستگی و فداکاری که از طرف مردم صورت گیرد. به دلیل قانع کننده ی تعطیل بودن مدارس و مهدکودک ها، خانواده ها اغلب در وضعیت سختی قرار دارند. بسیاری از افراد سالخورده و بیمار با ترس زیادی زندگی می کنند، از خانه خارج نمی شوند. (برخی به حق) اما همه با اجبار به تحمل تنهائی.

فراخوان ام. ال. پ. د.

+ کمک های مالی دولتی و مراقبت های اضطراری به خانواده ها برای مراقبت از کودکان و سالمندان! تأمین بودجه برای هزینه های زندگی والدین در صورت عدم یافتن گزینه های دیگر برای مراقبت از کودکان!

+ همبستگی و کمک متقابل به عنوان نظم روزانه: سازماندهی و کمکهای همسایگی در محله ها!

+ افشاء قاطع در مقابله با احتکار، خودخواهی، وحشت اندازی، در عین حال رفتار بی رحمانه علیه کم اهمیت دادن به اوضاع!

کمکهای نامحدود به شرکت ها قول داده شد. اما در عملاً نشان داده شد که کمک ها برای مشاغل کوچک، با وجود موانع اداری تقریباً غیر قابل عبور، امکان پذیر نیست، در حالی که انحصارات در حال پر کردن حساب های خود هستند.

خواسته های ام. ال. پ. د. :

+ مشاغل کوچک، و متوسط ، سالن های کنفرانس، رستوران ها و مشاغل گردشگری باید به طور کامل مورد پشتیبانی قرار گیرند!

علل این بیماری به طور گسترده ای مورد بحث قرار گرفته است. تئوری های توطئه ی ناپایدار مقبولیت نیافته - در عین حال هر بحثی نباید به عنوان تئوری توطئه رد شود. باید به این سؤالها پاسخ داده شوند: آزمایشگاه تحقیقاتی (احتمالاً) در محل میدا، ووهان، چه نوع آزمایشگاهی است؟ آیا کوید-۱۹- منشا مصنوعی دارد؟ تأثیرات متقابل آن با بحران های زیست محیطی چیست؟

+ خواست های ام. ال. پ. د.: پایان دادن به خودخواهی ملی در زمینه تحقیقات، علل، تشخیص و درمان! با شرکت در بحث علمی، گسترده و قابل درک!

در این جا فرومایگی و عدم توانائی سیستم جهانی امپریالیسم آشکار می شود. در واقع اما پیش شرط های مادی برای روابط گسترده جهانی، مباحث علمی، تشخیص و معالجه همچنین پابرجائی نا متمرکز پروسه های اساسی علمی با کمک دیجیتال کردن، در تاریخ بی سابقه است. تنها در سوسیالیسم که توسط تغییر انقلابی جامعه می توان بدان دست یافت، این ها می توانستند برای مراقبت های بهداشتی سریع، تأثیر گذار در کل جهان و مورد استفاده در کل جهان قرار گیرند.

+ بحث های گسترده در رابطه آلترناتیو در جامعه را، با شعار "به ضد کمونیسم فرصتی ندهید" باید آغاز کرد.

+ به سازمان یابی خود پرداخته، همکاری و وحدت با سازمانهای فراحزبی را از ضروریات روز بشمار آوریم.

### به یاد هیلین بوک و ابراهیم گوگچه

هیلین بوک خواننده گروه موسیقی گروپ یورم ترکیه در اعتراض به ممنوعیت این گروه و عدم اجرای خواسته هایش بعد از ۲۸۹ روز در اثر اعتصاب غذا درگذشت.

ابراهیم گوگچه یکی از نوازندگان گروه موسیقی گروپ بوروم نیز که در حمایت از هیلین بوک و نیز اعتراض به ممنوعیت گروه و اجرای یک دادگاه عادلانه و آزادی دیگر زندانیان مدتها در اعتصاب غذا بود بعد از شکستن اعتصاب غذا که ۳۲۴ روز به طول کشید، به خواست نهادهای گروههای مترقی در ترکیه و خارج از ترکیه بود، بعد از مدتی کوتاه فوت کرد. مسئولیت مرگ هیلین بوک و ابراهیم گوگچه بطور مستقیم متوجه دولت ترکیه است که از توجه و اجرای خواسته های این دو مبارز راه آزادی سرباز زد.

هیلین بوک بعد از آزادی از زندان هم حاضر به شکستن اعتصاب غذای خود نشد و به مثابه ای انسانی با آرمان های والای انسانی ما را ترک کرد. یاد او و همرزمش ابراهیم گوگچه نه تنها برای

مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم در ترکیه بلکه برای ما در ایران و همه مردم آزادیخواه جهان سمبل مقاومت در برابر ارتجاع و دولت فاشیستی ترکیه است.

پیروزی، شکست و از دست دادن هر رفیقی از طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در ترکیه پیروزی و شکست ماست. یاد آنها برای همیشه در خاطره ها ماندگار است.

ع.ع

### نقش منصور حکمت... بقیه از صفحه آخر

عمیقترین بحران را به وجود آورد. در این نقطه تاریخی از حزب کمونیست است که منصور حکمت می گوید:

«حزب را کسالت همگانی، روحیه کارمندی، [فرا گرفته است] همه فهمیده اند که می شود کار را عقب انداخت و هیچ اتفاقی هم نمی افتد، مشغله های غیر سیاسی افراد بالا گرفته... مثل مشغله های خانوادگی و شغلی... خیلی از رفقا امروز را به فردا میسرانند و فردا را به پس فردا، همین که توی یک کمیته است برایش کافی است. کسانی را شاهدیم که اگر بخواهی کارش را به طور واقعی و مادی حساب بکنیم در ماه ۴۵ دقیقه است، جا خوش می کنند. کارها سپرده می شود و جوابش حتا گرفته نمی شود... این مسائل ناشی از یک واقعیت سیاسی است. به نظر ما این است که حزب چندیست که افق سیاسی و مبارزاتی خودش را از دست داده است... به نظر می آید ما حرفی دیگر برای به کرسی نشاندن نداریم. اگر در دوره فشرده و کوتاهی این معضلات به عکس خودش تبدیل نشود... کار به جایی میرسد که حزب کمونیست دوره تخریب خودش را شروع می کند... اعضای کمیته مرکز یا در یک دوره کوتاه کار شبانه روزی فشرده، با افق و متعهدانه ای را انجام می دهند یا راست اش همه مان باید فکر... نجات باشیم» (حکمت - تصمیمات اخیر دفتر سیاسی ۱۹۸۶/۶/۶)

تاریخ نشان داد؛ تا زمانی که منصور حکمت در رأس حزب کمونیست ایران بود، وضعیت اسفبار آن، روز به روز تعمیق می گشت.

مارکسیسم می گوید ظهور این پدیده های ناسالم ناشی از وجود لیبرالیسم تشکیلاتی است که تظاهرات کنکرت اش، بیان عملکرد کنکرت ایدئولوژی و سیاست خرده بورژوازی در زمینه تشکیلات است. ریشه کن کردن این پدیده خطرناک فقط با مسلط شدن اعضای حزب به تئوری های مارکسیستی، سعی در بالا بردن درک مجموعه حزب از اوضاع جهانی و ملی، عمیق نمودن درک کادرها و اعضا از وظائف تاریخی حزب و دامن زدن به انتقاد و انتقاد از خود خلاق، امکان می یابد. لذا به ویژه در چنین شرایطی، دموکراسی



حزبی باید تا حد امکان بسط و گسترش یابد. باید نظرات مختلف در یک اتمسفر سالم، خلاقانه در مقابل هم قرار گیرند و نارسائی‌ها و ناخالصی‌ها در جریان انتقاد توده‌ای مورد طرد قرار گیرد. به بیان دیگر بسط کامل دموکراسی در حزب ضرورت درجه اول پیدا می‌کند.

ولی منصور حکمت در مورد دموکراسی درک بورژوا منشانه‌ای دارد که جالب است: «دموکراسی تعریفی نیست برای داشتن انسانهای آزاد و مختاری که با هم حرف میزنند و رأی آنها سر جای خودش قبول است و موقعتش باید در یک صف بایستند و بچنگند. دموکراسی تعریف شرايطی است که در آن اکثریت حرف خودش را اعمال میکند. و هر چقدر هم شما حزب کمونیست را دموکراتیک تعریف کنید اکثریت دموکراتیکی بوجود می‌آید که در دهان اقلیت را میبندد دیگر. پس آن چیزی که شما میخواهید حقوق فرد و حقوق اقلیت در حزب است، که این بنظر من امری مربوط به دموکراسی نیست. یک حکومت دموکراتیک، یک سازمان دموکراتیک با رأی اکثریت تصمیم میگیرد یک تعدادی را بخاطر حرفی که زدند می‌ندازد بیرون دیگر.»<sup>۱</sup>

ناشی از چنین درکی از دموکراسی درون حزبی است که می‌گوید: «من هنوز معتقدم حزب کمونیست انقلابی عصر ما حزب سانترالیستی است. من راستش زیاد ایده‌های دموکراسی را در رابطه با حزبی که در این شرایط مبارزه میکند هموزن انضباط و سانترالیسم نمیدانم.»<sup>۲</sup> آیا مرکزیت دموکراتیک این را می‌گوید؟ یا درک سخیف منصور حکمت از آن چنین است؟

جهت جواب به این سؤالات، توضیح منسجم مرکزیت دموکراتیک به عنوان تنها ساختار انقلابی تشکیلات کمونیستی، ضروریست:

مرکزیت یک تشکیلات کمونیستی وقتی میتواند سیاست درستی را نسبت به طبقات و اقشار گوناگون در پیش گیرد و به عنوان مرکزیت پرولتری عمل نماید، که بداند طبقات و اقشار موجود در جامعه چه می‌گویند، چه میخواهند و چه سیاستی را در جامعه اعمال می‌کنند. این دانش فقط و فقط میتواند توسط اعضای یک سازمان کمونیستی به کادرها و از طریق کادرها به مرکز تشکیلات منتقل شود. روشن است که این اطلاعات مثل یک مواد خام منتقل نخواهد شد. بلکه اعضای حزب این اطلاعات را تحلیل می‌کنند و در مورد آن نظر دارند. و وقتی این اطلاعات و نظر اعضا به کادرهای تشکیلات کمونیستی منتقل می‌شود، آن‌ها نیز تحلیل خود را از این مجموعه

دارند. در نتیجه یک حزب راستین پرولتری باید آزادی کامل برای ارائه این نظرات به ارگان بالاتر را تضمین کند، در غیر این صورت، مرکزیت تشکیلات از اطلاعات و نظرات کامل اعضا و کادرها محروم خواهد ماند و سیاستی را که اتخاذ خواهد کرد، متافیزیکی، نادرست و شکننده خواهد بود. لذا دموکراسی کامل در یک حزب سیاسی پرولتری اجتناب ناپذیر است.

از جانب دیگر وقتی اطلاعات و تحلیل‌های (نظرات) اعضا و کادرها به مرکزیت تشکیلات رسید، این مرکزیت بر مبنای تئوری‌ها و معیارهای مارکسیستی، تجارب تاریخی پرولتاریای جهان، سبک و شیوه کار کمونیستی، آن‌ها را بررسی کرده، گاه را از گندم جدا می‌کند، سیاست و تاکتیکی را در جامعه اتخاذ مینماید که با واقعیات طبقات مختلف جامعه در خدمت پیش برد انقلاب انطباق زیادی دارد. در این نقطه رهنمودهای مرکزیت برای هر عضو تشکیلات لازم الاجرا است. در حالی که این عضو می‌تواند در هر لحظه‌ای رهنمودهای مرکز را مورد انتقاد قرار دهد و نظر خودش را در وسعت تشکیلات تبلیغ نماید، ولی نمی‌تواند از اجرای آن سرپیچی کند. لذا برای پیش برد امر انقلاب وجود چنین مرکزیتی ضرورت کامل دارد. به طوری که ملاحظه می‌شود مرکزیت دموکراتیک یک واحد جدا ناپذیر است یک واحد دیالکتیکی است. در یک سازمان مارکسیستی نمی‌توان مرکزیت داشت ولی دموکراسی نداشت. این دیگر سازمان مارکسیستی نیست. نمی‌توان دموکراسی داشت ولی مرکزیت نداشت. این یک سازمان و گروه آنارشیستی است نه یک سازمان پرولتری. ولی در شرایط متفاوت هر جانب این واحد دیالکتیکی میتواند عمده و یا غیر عمده گردد. در لحظه‌ای دموکراسی جنبه غالب دارد و در شرایط دیگر مرکزیت جنبه غالب پیدا می‌کند ولی در هر لحظه‌ای کل این واحد دیالکتیکی باید ساختار احزاب کمونیست باشد و دائماً نوسازی گردد.

در مقابل ساختار تشکیلاتی مرکزیت دموکراتیک، ساختار تشکیلاتی سانترالیستی قرار دارد. در چنین تشکیلاتی فرمانبرداری بدون قید و شرط اعضا، درجه اول اهمیت قرار دارد. تمام سازمان‌های سرمایه داری (چه اقتصادی و چه سیاسی)، سازمانهای نظامی کشورهای سرمایه‌داری و دولت‌های فاشیستی بر این پایه استوارند: سنترالیسم. منصور حکمت چاره دردی را که خود موجد آن است در اطاعت محض اعضا از مرکزیت می‌داند. لذا سازمان سنترالیستی را به میان میکشد.

در بطن ایدهء تشکیلات سانترالیستی، آنارشیسم و فراکسیونیسم نهفته است. این آقائی که برای سازمان سنترالیستی میکوشد، در عین حال چنین نیز میاندیشد: «بنظر من ما باید بگوییم حزب کمونیست ایران حزب منضبط است، حزبی دارای اهداف واحد و حزبی است که آگاهانه

و داوطلبانه حول اهداف مشترکی تشکیل شده بنابراین روابط درونیش روابط خاصی است که به آن می‌گویند سانترالیسم دموکراتیک، اگر آن منظور ما است.»<sup>۳</sup> تا اینجا درست است. حزبی که چنین باشد حتما بر مبنای مرکزیت دموکراتیک شکل گرفته است. ولی طبق گفته‌های همین جناب، حزب کمونیست چنین حزبی نبود. حال ببینیم که حکمت مرکزیت دموکراتیک را چگونه می‌فهمد: «و آن سانترالیسم دموکراتیک بنظر من ملاک‌هایش دیگر الزاماً نمیتواند تبعیت این از آن یا تبعیت آن از این باشد. باید از پدیده رهبری سیاسی حرکت کرد (در توصیفش مثلاً) که ما بالأخره با رهبرهای عملی در سطح جنبش کارگری روبرو هستیم که هیچ اساسنامه‌ای نمیتواند طرف را مجبور بکند کاری بکند که درست نمیداند.»<sup>۴</sup> و یا «آدم میتواند عضو حزب باشد و به این معنی خیلی از دستوراتش بنظر من تبعیت نکند. فلان کمیته میتواند فلان نظر حزب را نپذیرد. اگر رهبر واقعی جنبش کارگری است که آن نظرات در کنش می‌پیروند.»<sup>۵</sup> (تکیه از ما) ما در پیش گفته بودیم که آدم‌های سنترالیست در عین حال آنارشیست هم هستند.

«عالیست. افتخار آفرین است.» البته بورژوازی در قدرت این را به منصور حکمت می‌گوید. چون مثلا در یک تظاهرات خیابانی مرکزیت حزب دستور تهاجم به نیروهای مسلح را میدهد، کمیته آن شهر این دستور را «درست نمیداند» و «در کنش نمی‌رود». چه می‌کند؟ «درست» میداند و «در کنش» میرود که به خانه‌اش برود. و میرود به خانه‌اش. آنوقت صفوف تظاهرات ضعیف و پراکنده می‌شود و بورژوازی حاکم برای آقای حکمت کف میزند. زیرا می‌بیند که آنارشیسم در تشکیلات او حاکم شده است.

در طول چند سال حاکمیت منصور حکمت بر حزب کمونیست و کشیدن این حزب به انحرافات متعدد؛ مرحله جمهوری دموکراتیک انقلابی، زیر سؤال بردن امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور و در نتیجه ایجاد بدبینی نسبت به ساختمان سوسیالیسم در ایران و کوشش برای تبدیل حزب به یک سازمان سنترالیستی و نهایتاً آنارشیستی، اعتراض وسیع توده حزبی را به دنبال داشت که به منفرد شدن حکمت و رفقاییش میانجامید.

بحران چهارم: فراکسیون منصور حکمت و انشعاب با گسترش انتقادات کادرها و اعضا به نوع نگرش، برنامه و سبک کار او و رفقاییش، تلاش او جهت جا انداختن و طبیعی جلوه دادن فراکسیون در یک حزب پرولتری کمونیستی، آغاز گردید. او در مضرات دموکراسی چنین می‌گوید «در هر کنگره‌ای رأی اکثریت را روی اپوزیسیون اعمال

- ۳ - همانجا
- ۴ - همانجا
- ۵ - همانجا

- ۱ - منصور حکمت - بحث و اظهار نظر در پلنوم هفتم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - ۱۳۶۵/۵/۲۷
- ۲ - منصور حکمت - بحث و اظهار نظر در پلنوم هفتم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - ۱۳۶۵/۵/۲۷





خانگی ایران کالاهای غیرقاچاق و بقیه، یعنی دو سوم کل بازار، کالاهای قاچاق بوده است به گفته پلیس مرزی شرق کشور تعداد بسیار زیادی وسایل ماسک و سیلندرهای اکسیژن تنفس مصنوعی کشف شده است که سر به میلیونها دلار می زند. سیگار و سوخت دوکالاهای عمده قاچاق در واردات و صادرات هستند که هر دو در دست سپاه پاسداران و یا نهادهای وابسته به رژیم هستند.

می گویند قاچاق کالا به کاهش رفاه اجتماعی می انجامد. محمد فاضلی «جامعه شناس نیز چندی پیش گفته بود: «قاچاق سوخت، فقط هدررفت منابع طبیعی و سرمایه های این کشور نیست، بلکه از آن بسیار فراتر می رود و نیروی محرکه شبکه های از پولشویی، واردات، نابودی صنایع داخلی و فقیرتر شدن کارگر ایرانی است. قاچاق سوخت، بخشی از سوخت محرک نابودی اقتصاد، سیاست و جامعه ایرانی است. پول فراوان حاصل از آن پا به هر عرصه ای بگذارد، فساد می آفریند؛ (به نقل از سایت نفت ما)

«سیده فاطمه مقیمی»، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی تهران دیدگاه دیگری دارد. مقیمی می گوید: «به نظر من در بحث افزایش قیمت بنزین، بیش از هر چیز معیشت خانواده ها اهمیت دارد. اثر اصلی در همین جاست (سایت نفت ما)»

اگر چه ما بحث قاچاق نفت را به عنوان یکی از کالاهای اساسی قاچاق در ایران مطرح کردیم ولی قاچاق خود باعث پولشویی؛ کاهش امنیت شغلی؛ ویرانی اقتصادی و درهم شکستن تولید؛ به بیکاری کشیدن کارگران به قیمت سودهای میلیاردی برای ثروتمندان می شود. اما قاچاقچیان بویژه اگر از پشتوانه قدرت دولتی برخوردار باشند؛ به فساد دستگاههای دولتی و گسترش فقر می انجامد. در آمارهای دولتی و اخبار روزنامه بطور دائم ما با پدیده ای مواجه هستیم که حاکی از اختلاس های چندین هزار میلیارد تومانی در بالاترین ارگان های مالی و موسسات و کارخانجات؛ توسط مسئولین همان نهادها دارد. افشاء شدن دست های آشکار و پنهان در این اختلاس ها هم معمولا در قوه قضائیه به محاق سپرده می شود. فساد و قاچاق از یک جنس هستند. اولین نکته فرار از قانون عمومی است (البته قانون آن چیزی نیست که نوشته می شود بلکه آن چیزی است که عمل می شود)؛ دومین نکته دزدی از اموال اجتماعی و پنهان کردن آن از دید جامعه است. بطور نمونه در بانک ها میلیاردها دلار پول دزدیده شده است و همچنان در گرداب بوروکراسی دولتی پرونده این اختلاس ها دست به دست می شود.

دولت برای فریب افکار عمومی به سیستم قاچاق کالا که خود راه اندازی کرده است و دست های آشکار و پنهان بورژوازی بزرگ دولتی و خصوصی برای سود بیشتر در آن سخت فعال است؛ ناگهان مسئله قاچاق کالا در مرزهای کشور را که اتفاقا از جابجایی همان کالاهای بورژوازی بزرگ مرکز است می آید، را برزگنمایی می کند. آنها با

افت ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی نرسید. در اثر اعمال تخریبی منصور حکمت و شرکاء کوچک شد، بسیاری از یارانش از دورش پراکنده شدند ولی همچنان یک سازمان کمونیستی فعال در کل جنبش کمونیستی ایران باقی ماند. منصور حکمت با این مسائل چیز دیگری را میخواهد عملی کند. او در این نشست حزبی علل اساسی معضلات بیان شده را در؛ انقلابیگری خرده بورژوازی، محیط خارج از کشوری و تغییر در موقعیت عینی خود حزب، ارزیابی می کند. با معیارهای کمونیستی، اصلاح این معضلات و شرایط عینی با دامن زدن به مبارزه طبقاتی درون حزبی، انتقاد و انتقاد از خود و تشویق حزب به مطالعه آثار کلاسیک مارکسیستی، امکان پذیر میگردد. ولی در همان پلنوم هشتم، تصمیم گرفته می شود که برای مقابله با مشکلات، تشکیلاتی به نام «تشکیلات مرکزی» زیر نظر کمیته مرکزی به وجود آورند و با زور اساسنامه و پیچاندن اعضای این «تشکیلات مرکزی» در بندهای تشکیلاتی بر ضعفها غلبه کنند. در واقع حزب را سنتزبستی تر کنند. روشن است که چنین سبک کاری نه تنها به حل معضلات یاری نمیرساند بلکه بر بحرانهای موجود می افزود.

ادامه دارد

بهرنگ

### قاچاق سنتی در رژیم.... بقیه از صفحه آخر

کردند. رشوه گیری از بالاترین مقامات قوه قضائیه تا نمایندگان مجلس به عنوان شیرینی به امری عادی تبدیل شده است. سایت ها و روزنامه های داخلی پر است از گزارش های فسادهای دولتی و یا آقازاده ها و شرکت های وابسته. اما کو گوش شنوا. رژیم اسلامی این گزارش ها را در چهارچوب منافع خود مانند سوپاپ اطمینان اجازه انتشار می دهد و آن گزارشگران متعهدی هم که پا را فراتر گذاشته است با زندان، شکنجه و بیکاری از کار و غیره روبرو شده اند.

در ایران هرم قدرت یک الیگارش مافیایی است. اگر به ترکیب قدرت و دولت مردانی که در این ساختارها مشغول به کار هستند توجه کنید، اکثرا فامیل، دوستان قدیمی، شرکای اقتصادی و کارچاق کن های آنان می باشند. در این دایره قدرت حتی همه خودی ها هم پذیرفته نمی شوند و یا در رقابت درونی به کنار گذاشته می شوند. وقتی احمدی نژاد به برادران قاچاقچی اشاره می کند. در حقیقت به دایره قدرتی اشاره می کند که او را به گوشه های قدرت موقتا رانده است.

به چند آمار زیر توجه کنید

حمیدرضا دهقانی نیا رئیس ستاد مبارزه با کالای قاچاق گفت که بدین ترتیب حدود ۱.۱ میلیارد دلار از کل ۳.۳ میلیارد دلار بازار مصرف لوازم

کردند و زدندش دیگر. قانون ضد فراكسيوني را به رأی اکثریت کنگره شان تصویب کردند و بعد هم اجرایش کردند دیگر. «روی سخن حکمت، حزب بلشویک شوروی است. که ایجاد فراكسيون یعنی وجود دو گرایش سازمان یافته طبقاتی در یک حزب را اجازه نمیداد و روی مرکزیت دموکراتیک تکیه میکرد. و «آیا این حزب دموکراتیک است یا نه باید انعکاسی باشد از این که حقوق فرد را و حقوق فکریهای مختلف را در آن بیان میکنند (اگر فراكسيون یا اصول عقیدتی مختلفی هست)»<sup>۶</sup> حکمت با این تبلیغات، فراكسيون خود را گام به گام پی می ریخت. به ویژه این که هر روز معضلات ایدئولوژیک، سیاسی تشکیلاتی حزب نیز گسترده تر و عمیق تر می شد و او با سیاستها و تاکتیکهای مخربش آن را عمیق تر مینمود. او بعد از اقرار به ضعفهای اساسی حزب که در فوق بیان گردید، و عدم توانایی رهبری در حل معضلات، چنین می گوید: «علی رغم تلاشهایی که بنابراین شده، گاه و بی گاه، به طرق مختلف، برای حل این مسأله... من فکر می کنم سیر قهقرائی فعالیت مرکزی ما همچنان ادامه دارد... این آخرین باریست که من به عنوان یک عضو کمیته مرکزی و مسئولیت جمعی راجع با آن صحبت می کنم...»

وقتی از مجموع مشکلات رهبری حرف می زنم، منظوم دفتر سیاسی فقط نیست... دفتر سیاسی آن ارگانیست که به اصطلاح این مشکل می تواند خودش را تویش نشان بدهد... ارگانیست که امکانات حل مسأله را دارد... ولی منشأ مسأله نیست... وقتی می گویم مسائل و معضلات رهبری هست، راجع به معضلات شش هفت نفر حرف نمی زنم. راجع به یک وضعیت در سطح کادرهای مرکزی و رفقائی حرف می زنم که می چرخاند. بروزات از این مسأله خیلی روشن است. کار تئوریک نیست، به عنوانی تلاش جمعی وجود ندارد... حساسیت رهبری به همان معنای وسیعی که گفتم و به معنی اخصاش در دفتر سیاسی به مسائل جاری سیاسی و طبقاتی خیلی کم است. و تقریبا هیچ مکانیسمی برای برخورد تحلیل تصمیم گیری صحیح به موقع در قبال این مسائل در کار نیست. روحیه، راندمان، بازده انرژی جهت درجه دخیل شدن کادرهای مرکزی در امور مختلف حزب به طور جدی افت کرده است.<sup>۷</sup> در واقع حزبی با این معضلات، دیگر حزب کمونیست نیست. حزبی است منفعل، که وظیفه اساسی اش تخته کل جنبش کمونیستی در نزد طبقه کارگر و توده های مردم است. ولی ما میدانیم که حزب کمونیست ایران هیچگاه بدین درجه از

۶ - همانجا

۷ - همانجا

۸ - منصور حکمت - پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - ۲۸،۱،۱۹۸۷



## بیل گیتس و دستور کار...بقیه از صفحه آخر

مسح میدانند که از طریق واکسیناسیون و از طریق کاهش جمعیت دنیا را نجات می دهد.

بیل گیتس در یک نمایش تلویزیونی در کالیفرنیا تحت عنوان تکنولوژی، سرگرمی و طراحی، با سخنرانی از گزارشی از این برنامه، در کالیفرنیا صحبت کرد و گفت: «نوآوری به صفر» در مورد استفاده از انرژی و هنگامی که گزارش دیوید راکفلر در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، با سناریوی حتی بدتر از «لاک استپ» (طریقی برای راه پیمایی با هر شخص تا حد امکان نزدیک به نفر جلو- تصور کنید که تأثیر آن بر جمعیت چه خواهد بود که همه در یک محاصره کامل راهپیمایی می کنند و وفا داری خود را به فرمانده کل نشان می دهند)، سناریو ای که اکنون از آن آغاز می کنیم. وی از این برنامه خود برای تبلیغ واکسیناسیون خود استفاده کرد، به معنی واقعی کلمه، «اگر ما یک کار خوب واکسیناسیون کودک را انجام دهیم، می توانیم جمعیت جهان را بین ۱۰ تا ۱۵ در صد کاهش دهیم.»

این عمل به نظر می رسد بسیار شبیه علم اصلاح نژاد انسان یا بولدیا است. (۱) رابرت اف کندی جونیور، مدافع مشتاق حقوق کودکان و فعال ضد واکسیناسیون عریضه ای را ارسال کرد که به کاخ سفید فرستاده شده و خواستار «تحقیقات در» بنیاد بیل و ملیندا گیتس «به منظور سوء استفاده های پزشکی و جنایت علیه بشریت» شده است.

### ویروس کرونا - برای درمان آن نیازی به واکسن نیست

(بیش از ۲۶۵۰۰۰ نفر این عریضه را در زمان نوشتن و تهیه آن امضا کردند، برای پاسخ از کاخ سفید به ۱۰۰ هزار نفر نیاز است).

### رابرت اف کندی جونیور، برنامه واکسیناسیون بیل گیتس را همه جانبه افشا می کند

اکنون آقای گیتس و متحدان وی از جمله یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل)، سازمان بهداشت جهانی، بیگ فارما، دکتر آنتونی فاوچی، مدیر انستیتوی ملی آلرژی و بیماریهای عفونی/مؤسسات ملی بهداشت، متحد نزدیک آقای گیتس - و البته موضوع مورد بحث روز یعنی آی دی ۲۰۲۰ (یک سازمان غیر دولتی است که شناسه دیجیتالی برای میلیاردها نفر بدون شناسنامه یا تصدیق رانندگی در سراسر جهان و گروه های تحت خدمات مانند پناهندگان) - پیشنهاد می دهند که با «زور» ۷ میلیارد نفر را در سراسر جهان واکسینه کنند، آنهم واکسنی که آزمایش نشده برای ویروس کرونا بکار رود. این یک ثروت ده ها میلیارد دلاری باد آورده برای بیگ فارما و برای همه کسانی که از واکسن حمایت می کنند است. هیچ کس واقعاً نمی داند که معجون واکسن چه چیزی خواهد بود. آنها قصد دارند از نیم کره جنوبی (کشورهای در حال

بازی، جلوگیری از قاچاق کالا و ارز، ایجاد امنیت اجتماعی و..... است. حتی یکی از نکات فوق را رژیم جمهوری اسلامی بعلت منافع حاکمان و اساسا دارودسته های روحانیت و اعوان و انصارشان قادر نشده است که انجام بدهد. بحث قاچاق بخشی از فساد گسترده تری است که سرتا پای این رژیم را در خود پیچیده است. موارد فساد دیگر یکی و دو تا نیست. ما در طول ۴۰ سال حاکمیت رژیم اسلامی بطور دائمی با شبکه هایی از فساد های مالی، شرکت در "قاچاق" مواد مخدر تا به یغما بردن جنگل ها و کارخانجات و غیره روبرو بوده ایم. برخی مواقع گزارش هایی مبنی بر فروختن کارخانجاتی به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان به سندهای بی ارزش و فاقد دارایی با سند سازی و پولشویی از طرف بالاترین مقامات نظامی - سیاسی، رهبران مذهبی روبرو بوده ایم. گزارش هایی است که جنگل هایی که ثروت های جامعه به حساب می آید به عنوان زمین لم یزرع فروخته شده است. اسنادی علنی شده است که حاکی از فروش معادن بزرگ در اقصی نقاط کشور به آقا زاده ها و رئیس شرکت های بزرگ که در رابطه با نیروهای امنیتی و نظامی بوده اند، می باشد.

نتایج اقتصادی بر اساس تکیه به بازار قاچاق به وضعیت فاجعه بار کنونی که کارگران و مزدبگیران پائین جامعه حتی امکان تغذیه مناسب را از دست داده اند و زیر بار قرض و بیکاری کمر خم کرده اند، انجامیده است. کارگران هر روز که می گذرد با بیکاری و کاهش دستمزد روبرو هستند. هیچ نیروی پشتیبانی برای حمایت از امنیت شغلی و اجتماعی وجود ندارد. اخراج کارگران با سابقه های طولانی به امری عادی تبدیل شده است. کارگران ساختمانی وضعیت بدتری دارند. مهاجرت موقت به مراکز (شهرهای بزرگ) همچنان جذابیت زیادی برای نیروی کاری دارد که هیچگاه از شغلی مناسب برخوردار نبوده است. سرگشتگی در شهرهای مختلف برای جویندگان کار از جمله کودکان و زنان چهره شهرها را از نیروی کار غیر بومی پر کرده است.

امروزه در ایران هر چه بیشتر احتیاج به یک انقلاب سوسیالیستی که ریشه های فساد را بشکند، دولتی متکی به کارگران و زحمتکشانشان جامعه که به عدم امنیت اجتماعی، شغلی، فرهنگی و غیره پایان دهد، ضرورت خود را نشان می دهد. برنامه حزب رنجبران برای پایان دادن به این سیستم و نظام فاسد و تامین احتیاجات انسانی، در اولین قدم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با تکیه به نیروی کارگران و زحمتکشانشان و ایجاد دولتی مبتنی بر شرکت مستقیم آنان درسرنوشت خویش است.

شلیک بسوی کولبران در کردستان و فروشندگان و واردکنندگان فقیر نوارهای مرزی در بلوچستان مسئولیت ویرانی اقتصادی ناشی از قاچاق را به گردن آنها می اندازند.

در بحران امروز جهانی که کشورهای بزرگ تولید کننده کالا قادر به رقابت در زمینه تولید کالاهای بسیار ارزان هستند؛ فروش و تولید داخلی اگر مورد حمایت قرار نگیرد معمولا ورشکست شده و جای آنرا تجارت کالاهای خارجی پر می کنند که بسیار سود آور است. بورژوازی ایران با توجه به این مورد بحرانی خود مشغول تجارت کالا؛ بستن کارگاهها و کارخانه ها و بیکار کردن کارگران است. اعتراضات کارگران در قراردادهای سفید امضاء، عقب ماندگی حقوق کارگران، فروش کارخانجات، خواباندن تولید و اخراج کارگران از نتایج همین حرص و ولع سرمایه داری و بیرون کشیدن ارزش اضافی از نیروی کاراست. سوی دیگر این روند فربه شدن تجاری هستند که با گران کردن هر روزه کالاها؛ جیب کارگران و مزدبگیران جامعه را هر روز خالی و خالی تر می کنند.

فرهنگ برتری جنس خارجی و تبلیغاتی که در رسانه های داخلی و آنلاین ها برای فروش آنها می شود؛ کار را به آنجا رسانده است که تولید کنندگان داخلی برای فروش محصولات خود به آنها مارک های تقلبی خارجی می زنند. این مسئله نه فرهنگ خرید تولید ملی و بین المللی را تبلیغ می کند بلکه در خدمت تجاری هستند که قاچاق و از راههای غیر قانونی کالاها را مارک خارجی می زنند و با رانت خواری برای ورود غیر قانونی آنها و فروش شان به پول شویی های عظیم مالی متوسل می شوند.

در همین رابطه بایستی توصیه سیدعلی خامنه ای رهبر واقعی نظام در رابطه با جهش تولید و فریبکارانه بودن آن؛ نگاهی انداخت. او در سخنرانش در اول بهار امسال (۱۳۹۹.ش) مدعی شده است که همه مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی حل شده است و فقط مسئله تولید مانده است. حال با توجه به آمار مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی که در برگزیده دو مشکل اول هم هست؛ نگاهی بیاندازیم.

۱- به گزارش گروه رسانه های خیرگیزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران؛ امروزه موضوع ازدواج را می توان یکی از مهم ترین دغدغه های حوزه جوانان دانست.

۲- اقتصاد نیوز به نقل از ناصر اصلانی وی یادآوری کرد: از سال ۱۳۵۷ به مدت ۱۰ سال مصرف مواد مخدر در کشور کنترل شد اما از سال ۶۷ تاکنون افزایش شیوع به مصرف داریم.

۳- در صد خط فقر برای خانواده ها در ایران را کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ۵۵ در صد و مرکز آمار ایران ۷۰ در صد می داند. و این لیست از مشکلات مردم سری دراز دارد.

براه انداختن چرخهای اقتصاد و جهش تولید در یک کشور اگر فقط حرافی نباشد، اولین قدمش از بین بردن رشوه، رانت خواری، دزدی و پارتی



بازداشت ۵ نفر از کارگران معترض شهرداری کوه عبدالله توسط نیروهای امنیتی  
۲۰۲۰/۰۴/۲۹  
جلسه رسیدگی به مشکلات سه هزار کارگر اعتصاب کننده معادن ذغال سنگ کرمان بدون حضور نمایندگان کارگران معترض برگزار شد!  
نمایندگان کارگران معادن ذغال سنگ کرمان از بی‌عدالتی‌ها گفتند و از حقایق پدیده برداشتند که سال‌هاست مسئولان از آن خبر دارند و توجهی به آن نمی‌کنند. کارگران معادن ذغال سنگ کرمان همزمان از اعتراض به خصوصی سازی و دزدی‌ها و اجحافات علیه خود می‌گویند.

کشف اختلاس میلیاردی در سازمان منطقه آزاد قشم  
هرمزگان رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از کشف یک اختلاس میلیاردی در سازمان منطقه آزاد قشم خبر داد و اظهار کرد: متهم اصلی پس از شناسایی دستگیر شده است. به...  
۱۳۹۹/۳/۲۳ تجمع پرستاران مقابل وزارت بهداشت

۲۰۲۰/۰۴/۲۹ اعتراض کارگران پویا نصب پارس در پتروشیمی مرجان کارگران پتروشیمی مرجان (شرکت مهندسی پویا نصب پارس) زیرمجموعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران واقع در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس عسلویه در استان بوشهر، از عدم پرداخت یک ماه...  
اعتراض صدها راننده اتوبوس درون شهری  
۱۳۹۹/۲/۲۷ تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان

برگزاری اول ماه مه نشان داد که طبقه کارگر مصمم است و ویروس سرمایه داری را مانند ویروس کرونا از جوامع انسانی پاک کند.

ع.ع

مشخص مراسم های متعددی و استفاده از تاکتیک و تکنیک های مختلف توسط کارگران و اتحادیه های کارگری، سازمان های چپ و کمونیستی برگزار شد. برخی مراسم بصورت مارش های بزرگ انسانی، توسط ماشین ها، بصورت ایستاده و ..... برگزار گردید. در تمامی مراسم های خارج کشور تم اصلی اعتراض به سرمایه داری بخاطر چشم پوشی از تامین بهداشت عمومی بخاطر سود بیشتر و پشت کردن به منافع عمومی جامعه بود. کسانی که با دلهره و دودلی راضی شده بودند که به مراسم های روز اول ماه مه پا بگذارند، با جمعیت های متمرکزی روبرو می شدند که اصلا انتظار نداشتند. برگزار کنندگان بیشتر تظاهرات، اعتصابات و تحصن ها در عین رعایت بهداشت عمومی که حفاظت از امنیت عمومی را تامین کند، سمت خود را خارج شدن از محیط بسته اجتماعی که بورژوازی تبلیغ می کرد، گذاشته بودند.

در ایران قبل از ماه مه ما شاهد برگزاری تظاهرات و اعتصابات کارگری و رشد آن در جامعه بوده و هستیم. سیاست های به غایت ارتجاعی و ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی و فقر و فلاکتی را که بر طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه تحمیل کرده، باعث نفرت عمومی از آنها شده است. رژیم اسلامی با کمال بیشرمی دروغ می گوید و وعده های سرخرمن می دهد. کارگران هفت تپه همچنان بخاطر دریافتی های وعده داده شده در جلوی کارخانه دست به اعتراض و تحصن می زنند. ما لیست بلندی از اعتراضات دوماهه گذشته را به عنوان سیاقی از کارنامه سرکوبگر اسلامی می آوریم. تحرک تازه ای بعد از کرونا در جنبش های اعتراضی طبقات فرودست جامعه آغاز شده است. موارد زیر گوشه ای از اعتصابات و تظاهرات و تحصن هایی است که به سر تیترا اخبار رسانه ها راه یافته است.

۱۳۹۹/۲/۲۵ اخراج ۴۴ کارگر شرکت زغال‌شویی فسیل سیستم انرژی و برگزاری تجمع اعتراضی نسبت به اخراجشان از شرکت  
۲/۲۷ تجمع کارگران شهرداری منطقه ۲۰ تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دیگر مطالبات  
۲/۲۹ اعتراض کارگران شرکت واحد، رانندگان بی آر تی

ادامه تجمعات اعتراضی و اعتصاب کارگران معادن زغال سنگ کرمان در اعتراض به واگذاری این معادن به بخش خصوصی و مطالبات معوقه اسامی متهمان پرونده نیشکر هفت تپه اعلام شد  
تجمع اعتراضی کارگران اداره کل بنادر و دریانوردی خوزستان

جلسه رسیدگی به مشکلات سه هزار کارگر اعتصاب کننده معادن ذغال سنگ کرمان بدون حضور نمایندگان کارگران معترض برگزار شد!  
۱۳۹۹/۲/۲۱ نهمین روز از اعتصاب کارگران شرکت معادن زغال

توسعه) شروع کنند و سپس به تدریج نیم کره شمالی (کشورهای توسعه یافته) را انجام دهند.  
توجه داشته باشید نیازی به واکسن برای درمان ویروس کرونا نیست. درمان های زیادی وجود دارد:

پروفسور فرانسوی، دیدیاری راولت (۲)، که یکی از ۵ دانشمند برتر جهان در زمینه بیماریهای واگیر است استفاده از هیدروکسی کلروکین (کلروکین یا پلاکوئینیل)، یک داروی مشهور، ساده و ارزان، هم چنین برای مبارزه با مالاریا را پیشنهاد کرد و این اثر بخشی را با استفاده از ویروس های قبلی مانند سازز نشان داده است. در اواسط فوریه ۲۰۲۰، آزمایشات بالینی در انستیتوی وی و چین قبلا تأیید کردند که این دارو می تواند بار ویروسی را کاهش داده و بهبودی چشمگیر را به همراه آورد. دانشمندان چینی آزمایشات خود را بر روی ۱۰۰ بیمار منتشر کردند و اعلام کردند که کمیسون بهداشت ملی چین، کلروکین را در دستورالعمل های جدید خود برای درمان ویروس کووید ۱۹ توصیه میکند. (پیتر کوئینگ، اول آوریل، ۲۰۲۰)

آگاه باشید، بیدار، هوشیار، و هشدار دهید

1 - The video, the first 6'45", "The Truth about Bill Gates and his Disastrous Vaccination Program", will tell you all about it. [Read also Gates' Globalist Vaccine Agenda: a Win-Win for Pharma and Mandatory Vaccination by Robert F Kennedy Jr](#)

2 - Professor Didier Raoult

## نگاهی به مبارزات کارگری

اول ماه مه امسال در شرایطی که بعلت ویروس کرونا اکثر جوامع در وضعیت قرنطینه بودند، به صورت های مختلف برگزار شد. در برخی از کشورها از جمله ایتالیا و فرانسه و ..... کارگران اول ماه مه را در محوطه کارخانه و با رعایت فاصله های اجتماعی برگزار کردند و خواهان تعطیلی کارگران کارخانجات بزرگ و استفاده از شرایط قرنطینه اجتماعی شدند. در کشورهای دیگر که قرنطینه اجتماعی کمزگتر و یا اصلا برقرار نشد تظاهرات خیابانی وجود داشت که در اکثر آنان ضمن دفاع از حقوق پرستاران و کارکنان بهداشت که در جلوی جبهه مبارزه علیه کرونا بودند، به دولت های مربوطه شان بعلت عدم مدیریت و ناتوانی و درماندگی آنان که نتیجه اش کشتار دهها هزار انسان بود، اعتراض داشتند. جهان در اول ماه مه همچون گذشته ولی با توجه به شرایط

بجز نوشته هایی که با امضای  
تحریریه منتشر می گردد

و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران می باشد

دیگر نوشته های مندرج

در نشریه رنجبر به امضا های

فردی است و مسئولیت آنها با

نویسندگانشان می باشد.





## نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۶)

علمی و غیر واقعی از ساختار اقتصادی - سیاسی - طبقاتی ایران و بر مبنای آن هدف گرفتن چیزی غیر ممکن (جمهوری دمکراتیک انقلابی بجای بنای ساختار سوسیالیستی) بحران عمیقی را در کلیه سازمان‌های چپ ایران منجمله و به ویژه حزب کمونیست ایران به وجود آورد. حزب کمونیست با اخذ نظر تروتسکی مبنی بر عدم امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور که علیه نظر لنین از سال ۱۹۰۳ تدوین شده بود، اجتناب ناپذیر به عدم ساختمان سوسیالیسم در ایران کشیده شد. و این درک وهم آلود تروتسکیستی که با جملات پر زرق و برق سوسیالیستی تزئین می‌گردید،

بحران سوم در واقع ادامه بحران اول است که توسط بحران دوم که در نتیجه پامال کردن تمام دستاوردهای ساختار سوسیالیسم در شوروی تحت رهبری لنین و استالین تا سال ۱۹۵۳ و کشور سوسیالیستی چین تحت رهبری مائوتسه دون، به وجود آمده بود، تشدید و تعمیق می‌شود. تا این زمان حزب کمونیست به رهبری منصور حکمت در پی مبارزه برای جمهوری دمکراتیک انقلابی است. یعنی یک کاریکاتور بی قواره از انقلاب دمکراتیک در روسیه نیمه سرواژ - نیمه امپریالیستی و جمهوری دمکراتیک خلق در چین نیمه فئودال - نیمه مستعمره. این درک غیر

وارونه جلوه دادن و جعل حقایق ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی توسط منصور حکمت توانست عده‌ای از کادرهای روشنفکر حزب کمونیست ایران را قانع کند تا جایی که عکس تروتسکی و آثار او را تا سالیان سال در سایت حزب کمونیست ایران گنجانند ولی این مواضع تروتسکیستی، عده دیگری از کادرهای حزب کمونیست ایران را به خشم آورد. این مواضع وارونه، باعث ایجاد دومین بحران بزرگ در حزب کمونیست ایران گردید.

بحران سوم

## قاچاق سنتی در رژیم جمهوری اسلامی

اشیاء تاریخی موضوع تازه ای در رژیم جمهوری اسلامی نیست. امروزه به جرات می‌توان گفت که رهبران جمهوری اسلامی خود یکی از بزرگترین قاچاقچیان ایران هستند. آنها بندرگاه‌های خروج و ورود کالا‌های قاچاق را راه اندازی کرده‌اند. آنها رژیم می‌هستند که حتی به دفاتر رسمی دولتی هم حساب پس نمی‌دهند و مانند همه دولتی مافیایی هستند که قاچاق و کار غیر قانونی و سرخود را به یک روش اداره کشور در ابعاد مختلف تبدیل کرده‌اند. کار آنچنان به فضاقت کشیده است که این دارودسته برای یکدیگر با مدارک تحصیلی تقلبی شغل‌هایی با درآمدهای میلیاردی دست و پا می‌

دخالته‌ها گزارش فوق حتی تغییر کرده است." و یا "آخرین آمار که ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به طور رسمی از وضعیت قاچاق در کشور داده مربوط به سال ۹۶ است که حجم قاچاق ورودی را ۱۲۰ میلیارد دلار و حجم قاچاق خروجی را ۹۰۰ میلیون دلار برآورد کرده است." البته این آمار دقیق نیست بخاطر اینکه ۱۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی نمی‌تواند بدون پرداخت ارز پرداختی نقد وارد شده باشد. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود ۱۲۰ میلیارد دلار چگونه از کشور خارج شده است.

اما قاچاق ارز، طلا، خاک، دکل نفت تا سرستون‌های عظیم تاریخی تخت جمشید و اسناد و

سایت خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ در "گزارش ۳۷ میلیارد دلاری قاچاق کالا و ارز در کشوی میز هیئت رئیسه مجلس" می‌نویسد "این سوال که چرا «مجلس چند سال گزارش تحقیق و تفحص از قاچاق در کشور را معطل گذاشته است؟» است، اخیراً از سوی دبیر قرارگاه ملی مبارزه با مفساد اقتصادی در نامه‌ای خطاب به هیأت رئیسه مجلس پرسیده شده است." و سپس در همین گزارش ادامه می‌دهد "این عضو کمیسیون اقتصادی در تذکری در صحن علنی مجلس با انتقاد از هیئت رئیسه مجلس درباره عدم قرائت گزارش «تفحص از قاچاق کالا و ارز» در مجلس گفت: متأسفانه به دلیل برخی از

## بیل گیتس و دستور کار جمعیت زدائی

سازمان ملل متحد به منظور حمایت از کودکان، یونیسف انجام شده است. اکثر این کمپین‌های واکسیناسیون بدون رضایت آگاهانه فرزندان، والدین، سرپرستان یا معلمان و نه با رضایت آگاهانه و یا با رضایت جعلی از مقامات دولتی مربوطه انجام شده است. پس از آن، بنیاد گیتس توسط دولت‌هایی در سراسر جهان، کنیا، هند، فیلیپین - و موارد دیگر شکایت شد.

بیل گیتس تصویری عجیب از خود دارد. او خود را

بیش از بیست سال است که بیل گیتس و بنیاد او، بنیاد بیل و ملیندا گیتس میلیون‌ها کودک را در مناطق دور افتاده کشورهای فقیر، عمدتاً آفریقا و آسیا، واکسینه می‌کنند. اکثر برنامه‌های واکسیناسیون آنها نتایج فاجعه آمیز داشته و باعث بیماری‌های بسیار شدید (فلج اطفال به عنوان مثال در هند) و عقیم سازی زنان جوان (کنیا، با واکسن اصلاح شده از کزاز) شده است. بسیاری از کودکان درگذشتند. بسیاری از این برنامه‌ها با حمایت سازمان جهانی بهداشت و - بله - آژانس

رابرت اف کندی جونیور خواستار تحقیق و رسیدگی است.

توسط پیترو کوئینگ - تحقیقات جهانی، ۱۸ آوریل ۲۰۲۰



## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس غرفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org